

بانویی که پناهگاه دوستداران اهل بیت شد



ریحانه عامل نیک
کارشناس فرهنگ

هر زمان نام روشنگری و مبارزه به میان می آید، در ذهن بسیاری از ما نام حضرت زینب (س) به عنوان زنی عالم نقش می بندد. ایشان آغازگر مسیری بود که تا زمان امامت امام مهدی (عج) ادامه داشت. در تاریخ شیعه پس از ایشان به نام های زنانی برمی خوریم که چون آن بانوی بزرگوار در مقابل تحریف ها و توطئه های دشمنان ایستاده، از مقام امامت دفاع کرده اند. یکی از این زنان عالم حدیثه یا سوسن همسر امام هادی (ع) و مادر امام عسکری (ع) است. او از زنان محدث و عالم زمان خود بوده و نامش در کتب تاریخ با لقب جدّه نیز آمده است. جدّه پس از شهادت امام حسن عسکری (ع) به عنوان وصی ایشان در ظاهر نقش بسیار مهمی در برابر مدعیان دروغین امامت ایفا می کند. امام حسن عسکری (ع) خاطره نخستین روز آشنایی و زندگی پدر و مادرش را چنین بیان می کند: زمانی که سلیل (سوسن) به محضر امام هادی (ع) رسید، آن حضرت [در ستایش و مدح او] فرمود: «سلیل، مسلوله من الاقات و العاهات و الأرجاس و الأدناس (الأتجاس). یعنی سلیل از بدی ها، پلیدی ها، زشتی ها، ناپاکی ها و آلودگی ها پاک و عاری است. شهید مطهری درباره شخصیت والای این بانوی اندیشمند می فرماید: تنها جدّه بودن سبب شهرتش نشد. مقامی دارد. عظمتی دارد. جلالتی دارد. شخصیتی دارد که بعد از امام عسکری (ع) «مفزع الشیعه» بود. یعنی ملجأ شیعه این بزرگوار بود. قهرا در آن وقت، چون امام عسکری (ع) بیست و هشت ساله بوده از دنیا رفته است، علی القاعده مطابق سن امام هادی (ع) هم حساب کنیم، زنی بین پنجاه و شصت بوده است. این قدر زن باجلالت و باکمالی بوده است که شیعه هر مشکلی برایش پیش می آمد به این زن عرضه می داشت.

زنان به روایت روزهای بی تکرار

نگاهی به کتاب «علویه نرگس»

این داستان روایت مقاومت است و روزهای نخست جنگ تحمیلی عراق علیه ایران در خرمشهر. این رمان سعی کرده است از حال و روز مردم جنگ زده بگوید. تلاش نویسنده بر این بوده است از زنان و دخترانی بگوید که هرچند هرگز به جبهه های نبرد قدم نگذاشتند و سلاح به دست نگرفتند، همواره مقابل دشمن ایستادگی کردند. نویسنده این کتاب در اولین صفحه، تکلیفش را با مخاطب روشن می کند و پیشاپیش می گوید می خواهد از رشادت و ایثار بانوانی بنویسد که سهم بزرگی در دفاع و آزادسازی شهرستان، خرمشهر، داشتند. شخصیت های این رمان و سرگذشت آن ها ساخته ذهن نویسنده است و شخصیت اصلی، یعنی علویه نرگس، در آن روزهای سخت در بیمارستان خرمشهر مشغول است. او پرستاری است که در بحبوحه جنگ به بیمارستانی در خرمشهر می رود تا به مداوای مجروحان جنگی بپردازد که در مقابل اولین حملات بعثی ها مبهوت مانده و در واقع غافل گیر شده اند.

«علویه نرگس» همان ابتدای کتاب دست مخاطب را می گیرد و در بازار روز خرمشهر با اولین انفجار خمپاره اندازهای بعثی ها روبه رو و به همراه همه مردان و زنان حاضر در بازار بهت زده می کند: قبل از ظهر ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ صدایی در خیابان نقدی خرمشهر پیچید و انعکاس آن انگار تمام جماعتی را که در بازار بودند سحر کرد، مانند داستان کودکانی که در آن جادوگری وردی می خواند یا عصای جادویی خود را به حرکت درمی آورد و بعد همه کس و همه چیز در جای خود خشکشان می زند. همه کسانی که در آن آخرین روز تابستان در بازار روز بودند به سوی صدا برگشتند و بی حرکت ماندند. لب های علویه نرگس بر روی حرف میم متوقف شد.

این شروع خوب و محکم نویدگر یک داستان تاریخی با محوریت دفاع و مقاومت است. در این رمان، نویسنده همه تلاشش را صرف کرده است که به نقش پررنگ بانوان خوزستانی در دفاع از شهر و مردمانش اشاره ای عمیق داشته باشد و مبارزات و تلاش آن ها را در جنگ، کمتر از مردان مبارز و بومی خرمشهر نشان ندهد.

«علویه نرگس» به قلم خدیجه بازون در ۱۰ فصل به رشته تحریر در آمده است و از طریق انتشارات ستاره ها با حجم ۳۶۸ صفحه روانه بازار کتاب شده است.

علویه نرگس

• نویسنده: خدیجه بازون

زهره رنگامیز (کوثر خبرنگار)



هر خانه یک زائر سرا

پویشی که پس از ایام عزاداری نیز به همت بانوان ادامه خواهد داشت

سالیانی طولانی است با حضور زائران در ایام پایانی ماه صفر، مشهد رنگ و بوی دیگری دارد. فرقی نمی کند زن یا مرد، جوان یا پیر. حرف زوار آقا که می شود، همه پای کار می آیند. این روزها مجاوران آقا می کوشند به هر نحوی شده است خدمتی برای زوار انجام دهند. خدمات از ورودی های شهر آغاز شده و تا حرم مطهر ادامه دارد. هر کس در حد توان، فرهنگ میزبانی را به جای می آورد زیرا میزبانی از زائر علی بن موسی الرضا (ع) افتخار مشهدی هاست.

در این بین، هستند بانوانی که رنج سفر به جان می خردند و خود را به قبله گاه هشتم می رسانند، اما اسکان همیشه یکی از چالش های آن هاست. امسال در پویش «هر خانه یک زائر سرا» برای این بانوان گزینه های ویژه ای در نظر گرفته شده است. تعدادی از بانوان مشهدی، پای خدمت به زائران آمده اند و رایگان از این بانوان مراقبت می کنند.

هر خانه یک زائر سرا باید فراگیر شود

در بازدید از دبیرخانه این پویش، به اتفاق دبیر پویش، راهی منزل چند نفر از این بانوان نیکوکار می شویم تا دقایقی با آن ها گفت و گو کنیم.

اولین بانو که تمایل نداشت اسمی از او برده شود، درباره سابقه خدمت رسانی به زائران آقا گفت: از سال ۱۳۹۰ و درست زمانی که ساخت واحد منزل ما آماده شد، همسر مرحوم نیت کرد تا زمانی که فرزندانمان بزرگ شوند، این واحد در اختیار زوار نیازمند آقا علی بن موسی الرضا (ع) قرار گیرد. پس از فوت همسر من نیز این خدمت به یاد ایشان هم چنان ادامه دارد اما با توجه به اینکه مردی در خانه نداریم، اولویت و ترجیح من این است که از بانوان زائر پذیرایی کنم. اسکان دادن زائران در سال های ابتدایی خدمت به این صورت بود که همسر من آن دسته از زائران نیازمندی را که در اطراف حرم مطهر به دنبال مکان اقامت بودند به منزل دعوت می کرد تا اینکه با این پویش آشنا شدیم و از این طریق در خدمت زائران هستیم. این اسکان صرفاً در ایام پایانی صفر

نیست و در طول سال افتخار میزبانی را داریم.

از حضرت خجالت کشیدم که زائرش بیجا مانده بود

پای صحبت بانوی خدمتگزار دیگری نشستیم. ملیحه خانم درباره شروع این خدمت می گوید: هر سال در روز شهادت حضرت پای پیاده به حرم مطهر می روم. حدود پنج شش سال پیش، در روز شهادت ایشان، در راه حرم بودم که تعدادی زائر را دیدم که به دلیل نداشتن اسکان داخل ماشین خوابیده و سرما خورده بودند. در حالی گریه می کند ادامه می دهد: آن لحظه، از حضرت خجالت کشیدم و گفتم وقتی ما همسایه امام هستیم چرا باید مهمانش در خیابان بخوابد؟ از همان سال بود که این خدمت آغاز شد و فقط مختص ایام پایانی صفر نیست و حتی الامکان، در طول سال نیز در خدمت زوار آقا هستم.

او در پایان، خاطره ای از این خدمت تعریف می کند: یک سال، گذشت و زائری به منزل ما نیامد. به امام رضا (ع) گفتم: ما را قابل نمی دانید آقا؟ آن زمان، به همراه دخترم در خیابان ها به دنبال زائر گشتیم. این حرکت برای زائران عجیب بود و اعتماد نمی کردند. متأسفانه زائری پیدا نکردیم. به نزدیکی های منزل که رسیدیم، گفتم یک بار دیگر دنبال زائر می گردم، شاید پیدا شود. به چهارراه که رسیدیم، خانواده سرگردانی را دیدم که می گفتند گم شده اند و راه را اشتباه آمده اند. در این لحظه، زوار را به منزل دعوت کردم و شروع کردیم به گریه زیرا هر دو به آقا متوسل شده بودیم.

رسم میزبانی

جواد علما، دبیر پویش هر خانه یک زائر سرا، نیز از استقبال خوب مجاوران و زائران از این پویش می گوید و بر استمرار این پویش در سراسر سال تأکید می کند.

او ادامه می دهد: علاقه مندان به مشارکت در این پویش می توانند به سایت www.razavi.city مراجعه کنند یا با شماره تلفن رایگان ۹۰۰۲۰۰۸ تماس گرفته و به این حرکت مردمی بپیوندند.

